سفر و سیر و سیاحت گسترده در تمدن‌های افسانه‌ای و رویایی آسمان‌های اعلی

📅تاریخ: ۲۴/۰۶/۱۴۰۰📅

⏳زمان مطالعه: ۷۳دقیقه⏳

◻◼◻◼◻◼◻◼◻◼◻◼◻◼

📜متن: خداوند از نور محمد بهشت را آفرید و آن را با چهار چیز آراست: عظمت و جلال و سخاوت و امانت، و آن را از برای اولیا و فرمانبران خود گذاشت. آن‌گاه با چشم هیبت به بقیه آن گوهر نگریست و آن بقیه ذوب شد. سپس از دودش آسمان‌ها را و از کَفَش زمین‌ها را آفرید.📜

📜متن: خوشا به حال کسانی که با برادران دینی خود برای خدا دوستی می‌کنند، همانا خدای تبارک و تعالی در بهشت عمودی از یاقوت سرخ آفریده که بر روی آن هفتاد هزار قصر وجود دارد و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است و خداوند آن را برای کسانی آفریده که برای خدا به زیارت برادران خود می‌روند، و برای خدا با آنان دوستی می‌کنند.📜

📜متن: شنیدم که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله می‌فرمود: دیوارهای بهشت یک آجرش از طلا، یک آجرش از نقره، یک آجرش از یاقوت، ملاطش از مشک تند و کنگره‌هایش از یاقوت سرخ، سبز و زرد رنگ است. گفتم درهایش از چیست؟ درهایش متعدد است در رحمت از یاقوت سرخ است.📜

📜متن: ابن عباس گفت: هنگامی که سوره‌ی إِنَّا أَعْطَيناكَ الْكَوْثَرَ نازل شد، پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله بر بالای منبر قرار گرفته و سوره را برای مردم تلاوت کردند. هنگامی که پایین آمدند مردم گفتند: ای پیامبرخدا، این چیست که خداوند به شما عطا فرموده است؟ فرمود: رودخانه ای است در بهشت که از شیر سپیدتر و از تیر بدون پیکان استوارتر است. کناره‌های آن را گنبدهایی از در ویاقوت در میان گرفته است. پرنده ای سبزرنگ از آن می‌نوشد که گردنش مانند شتران بخت کشیده و قوی است. گفتند: ای پیامبر خدا، این پرنده چه فراخ نعمت است، فرمود: آیا شما را از کسی آگاه کنم که از این پرنده نیکو حال‌تر است؟ گفتند: بله. فرمود: آن‌کس که از این پرنده می‌خورد و از آب رودخانه می‌نوشد، او با خشنودی خداوند متعال رستگار گردد.📜

📜متن: پروردگار جهان‌یان به مومنین در جنه‌اعلی می‌فرماید: من دشواری عبادت را از شما برداشتم و بدن‌هایتان را برای شما آسوده گرداندم. پس اکنون به روح و رحمت من رسیده‌اید، پس هر چه می‌خواهید از من درخواست نمایید و آرزو کنید تا برآورده سازم. چرا که من امروز شما را در برابر اعمالتان پاداش نمی‌دهم، بلکه با رحمت و بزرگی و بخشش و بلندای مرتبه‌ام و بزرگی جایگاهم و به خاطر دوستی شما به اهل بیت پیامبرم پاداشتان می‌دهم. پس‌اندازه دوستداران علی بن أَبی طالب علیه السلام در بخشش‌ها و نعمت‌ها همواره افزایش می‌یابد در این حال گنبدها و قصرهایی را در اعلی علیین می‌بینند که از یاقوت سرخ و سبز و زرد و سفید است. پس اگر آن‌ها در تسخیر نبودند به راستی چشم‌ها از دیدن آن‌ها نابینا می‌شد. پس قصرهایی که از یاقوت سرخ هستند با پارچه‌ها و فرش‌های سرخ رنگ نیکو فرش شده‌اند که روشنایی‌اش می‌درخشد. و قصرهایی که از یاقوت سبزند با سندس سبز فرش شده و قصرهایی که از یاقوت سفید هستند با حریر سفید فرش شده و قصرهایی که از یاقوت زرد هستند فرش‌هایی از پر زرد رنگ با زمرد سبز و نقره سفید دارند که با طلای سرخ برپا داشته و پایه‌ها و ستون‌های آن از گوهر است.📜

📜متن: پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می‌فرماید: هیچ مؤمنی در بهشت نیست مگر آن‌که بستان‌های فراوانی دارد که درختان افراشته و نیافراشته فراوان دارند، و جوی‌ها از آب و شیر و عسل در آن‌هاست، و هر گاه دوست خدا خوراکی طلبد آن‌چه در دلش خواهد برایش آورده می‌شود بی‌آن‌که دلخواهش را بر زبان آورد.

پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می‌فرماید: او سپس با برادرانش خلوت می‌کند و از یک دیگر دیدار می‌کنند و در بستان‌های خود در سایه ای بلند همانند سپیدی سپیده دم تا برآمدن خورشید با یک دیگر به سر می‌برند، و خوشتر از این‌ها آن‌که برای هر مؤمنی هفتاد زن حوریه و چهار زن آدمیزاده است که مؤمن ساعتی با حوریه است و ساعتی با زن آدمیزاده و ساعتی هم تنها به سر می‌برد در حالی که بر تختش تکیه زده و به یک دیگر نگاه می‌کنند. پرتو نوری بر روی تخت بر سراپای مؤمن بدرخشد و او به خدمتکاران خود می‌گوید: این پرتو درخشان چیست؟ شاید خداوند جبّار به من نگاهی‌انداخته است، و خدمتکارانش می‌گویند: خداوند جلّ جلاله قدّوس است قدّوس، این پرتو درخشان یکی از حوریان جفت توست که هنوز به ملاقات او نرفته ای و از میان خیمه خویش به شوق ملاقات تو سرکشیده و شیفته دیدار توست و چون دید تو بر تخت خود تکیه زده ای لبخندی زد، و این روشنی و پرتوی که تو را فرا گرفت از سفیدی دندانهای پاکیزه و لطیف اوست. ولی خدا می‌گوید: به او اجازه دهید تا نزد من بیاید، پس هزار غلام و هزار کنیز بر هم پیشی می‌گیرند تا به آن حوریه این مژده را برسانند و او از خیمه خود فرود می‌آید در حالی که هفتاد پیراهن بافته از طلا و نقره و شرابه‌های درّ و یاقوت و زبرجد بر تن کرده است که با مشک و عنبر رنگ‌های گوناگونی پذیرفته است، و مغز ساق پایش از آن سوی هفتاد پیراهن هویداست، و هفتاد ذراع قامت دارد، و میانه دو شانه‌اش ده ذراع است، و هر گاه به نزدیک ولی خدا آید خدمتکاران با سینی‌های طلا و نقره که پر از درّ و یاقوت و زبرجد است به پیشواز او می‌روند و آن‌ها را بر سر او می‌ریزند و سپس مؤمن او را در آغوش می‌کشد حوریه هم مؤمن را در آغوش می‌کشد و نه مؤمن خسته شود و نه حوریه.

📜متن: ابوهریره، از پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله که فرمودند: علی علیه السلام در بهشت قصری از یاقوت سرخ دارد که پایین آن از زبرجد سبز و بالای آن از یاقوت سرخ است و دو سوم قصر با انواع یاقوت و گوهر آزین بسته شده است و بر آن کنگره‌هایی است که با تسبیح و تقدیس و تمجید و سپاس گزاری از او شناخته می‌شوند.📜

📜متن: در بهشت کاخی از یاقوت سرخ از آن اوست که درها و ایوان‌ها و پلّه‌های آن همه از همان یاقوت سرخ است، و درون آن از بیرون آن پیدا، و بیرون آن از درون آن هویداست؛ و برای او در آن کاخ هزار کنیز زن و هزار غلام نوجوان که جاودانه در آن قصر (در خدمت او) باشند📜

📜متن: رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود: اگر از خدا چیزی برای من خواستید، پس از وی وسیله (دستاویز) را بخواهید. از ایشان پرسیدیم که: وسیله چیست؟ فرمودند: آن‌جایگاه من در بهشت است، و آن هزار پلکان نردبان است و بین هر پلکان تا پلکان دیگر نردبان، به‌اندازه یک ماه دویدن اسب تیزرو است، و آن بین نردبان گوهر تا نردبان زبرجد، تا نردبان یاقوت، تا نردبان زر، تا نردبان نقره است و در روز قیامت آن را می‌آورند تا در کنار جایگاه پیامبران برنهند، و آن در میان جایگاه‌ها و تخت‌های پیامبران هم‌چون ماه است در میان ستارگان، و هیچ نبی و صدّیق و شهیدی در آن روز نیست، مگر آن‌که می‌گوید: خوشا آن را که این‌جایگاه از آن اوست.📜

📜متن: امام صادق علیه السّلام از پدرش از جدّش علیهم السّلام آورده است: رسول خدا صَلی اللّٰه علیهِ و آله فرمود: چون مرا به معراج بردند و به سدرالمنتهی رسیدم - گفت: یک برگ آن سایه بر تمام دنیا می‌اندازد و بر روی هر برگ آن فرشته‌ای خدا را تسبیح می‌گوید و از دهانشان دُرّ و یاقوت بیرون می‌آید، هر مرواریدی راه پانصد سال را روشن می‌کند، و هرچه از آن درّ و یاقوت بر زمین ریزد، فرشتگانی موکّل برآنند، آن‌ها را بیرون برده و در دریایی از نور می‌افکنند، این فرشتگان هر شب جمعه به سدرالمنتهی می‌روند - و چون مرا دیدند، به من خوش آمد گفته و گفتند: ای محمّد، خوش آمدی، پس صدای وزش باد سدرو به هم خوردن درهای باغ‌های بهشتی به خاطر شادمانی از دوستداران تو به لرزه در آمده‌اند. پس شنیدم که باغ‌های بهشتی ندا در داده می‌گویند: چه قدر مشتاق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام هستیم.📜

📜متن: هنگامی که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به معراج رفت [و بازگشت]، به علی علیه السّلام فرمود: ای علی، من در بهشت نهری را دیدم که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر و از تیر راست‌تر بود. در آن، به‌اندازه ستارگان آسمان کاسه بود و بر کناره آن، قبّه‌هایی از یاقوت سرخ و درّ سفید. جبرئیل با بالش به کنار آن زد [و معلوم شد] مشک خوشبو و معطّر است. سپس [رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم] فرمود: به آن خدایی که جان محمّد به دست قدرت اوست، در بهشت درختی است که با صدای بلند، تسبیح خداوند را می‌گوید. صدای آن درخت، به گونه ای است که اوّلین و آخرین [آفریدگان]، زیباتر از آن صدا را نشنیده‌اند.

این درخت هم‌چون درخت انار میوه می‌دهد و میوه‌هایش را بر سر مؤمن می‌ریزد و چون آن را باز نماید، آن را از بین نود حلّه می‌شکافد. مؤمنین بر روی تخت‌هایی از نورند، در حالی که پیشانی و دست و پاهای آن‌ها درخشان و نورانی است. [ای علی] تو در قیامت، پیشوایشان هستی. هر یک از آن‌ها کفشهایی می‌پوشد که بندهایش از نور است و جلوی خود را تا هر جا که بخواهد، روشن می‌کند. مؤمن در چنین موقعیتی است که ناگهان زنی از مقام بالاتر به او می‌نگرد و می‌گوید: ای بنده خدا، تو بر ما تصرف و تملّک نداری؟ مؤمن می‌گوید: تو کیستی و او می‌گوید: من از جمله نعمتهایی هستم که خداوند عزّ و جلّ درباره آن‌ها چنین فرموده است: «فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِی لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْینٍ جَزاءً بِما کانُوا یعْمَلُونَ» {هیچ‌کس نمی‌داند چه نعمتهایی که باعث روشنی چشم اوست، برایش مهیا شده است. این [نعمتها] پاداش کردار [نیک] آن‌هاست} و در ادامه، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: سوگند به آن‌کسی که جان محمّد به دست قدرت اوست، هر روز هفتاد هزار ملک نزد او (مؤمن) می‌آیند و او را به نامش و نام پدرش می‌خوانند.📜

📜متن: به راستی روز غدیر در میان ساکنان آسمان شناخته شده‌تر است تا در میان مردم روی زمین، همانا خداوند در فردوس قصری دارد که یک آجر آن از نقره و دیگری از طلا است و در آن صدهزار قبه از یاقوت سرخ و صدهزار خیمه از یاقوت سبز قرار دارد که خاک آن از مشک تیزبوی و عنبر است. در آن‌چهار رود است که یکی از آن‌ها شراب است و دیگری از آب و رودی دیگر از شیر و رودی هم از عسل است.

پیرامون آن درختانی از همه میوه‌ها قرار دارد و پرندگانی بر فراز آن‌ها هستند که بدن‌هایشان از مروارید و بال‌هایشان از یاقوت است و آوازهای مختلفی می‌خوانند. پس هنگامی که روز غدیر فرا می‌رسد اهل آسمان وارد آن قصر می‌شوند و به تسبیح و تقدیس و تهلیل خداوند مشغول می‌شوند. آن پرندگان در آسمان پراکنده می‌شوند و خود را در آن آب می‌افکنند و خود را با مشک و عنبر آغشته می‌سازند. پس هنگامی که فرشتگان جمع شوند و به پرواز درآیند بر روی ایشان افشانده می‌شود و در این روز آن‌ها را به عنوان نثار فاطمه سلام الله علیها میان خود رد و بدل می‌کنند. پس هنگامی که روز به پایان رسد ندا می‌دهند: به جایگاه‌های خویش بازگردید که به راستی از لغزش و خطا در برابر چنین روزی در امان هستید، این بزرگداشتی برای محمد و علی صلوات الله علیهما است📜

📜متن: از ابوجعفر علیه السلام که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: با رحمت من وارد بهشت شوید و با گذشت من از آتش دوزخ رهایی یابید و با اعمال خود بهشت را تقسیم کنید. پس به عزتم سوگند شما را به سرای جاودان و بزرگی فرودمی آورم، پس هنگامی که وارد آن شوند بلندایشان مانند آدم شصت ذرع خواهد شد، و در جوانی هم‌چون عیسی سی وسه ساله شوند و به زبان عربی محمد صلی الله علیه وآله و به زیبایی چهره یوسف خواهند شد و چهره‌هایشان نورانی و بلند مرتبه گردد و در سلامت و آسودگی قلب چون ایوب خواهند بود.

پس نسیمی به نام مثیره از پایین عرش می‌وزد که از برف سفیدتر است، چهره‌ها و پیشانی‌ها و پهلوهایشان را دگرگون می‌کند و پس از آن خداوند تبارک و تعالی بر آنان تجلی می‌کند تا این که نور چهره‌اش را که از هر نگاهی پوشیده است می‌بینند و می‌گویند: پاک و منزهی ای بزرگ، ما تو را آن‌چنان‌که شایسته است پرستش نکردیم. سپس پروردگار سبحآن‌که بزرگ و بلند مرتبه است و معبودی جز او نیست می‌فرماید: بر شماست که هر جمعه به دیدار بیایید و میان هر دو جمعه به حساب شما هفت هزار سال است. پس خداوند به حجاب‌ها فرمان می‌دهد تا برخیزند، در این هنگام هفتاد هزار حجاب برخاسته و بر ناقه‌ها و اسب‌های تاتاری سوار می‌شوند، در حالی که زیورها و لباس‌های فاخر دارند، پس درسایه درخت به راه می‌افتند تا این که به دارالسلام می‌رسند و آن سرای خداوند و سرای شکوه و نور و شادمانی و کرامت است. پس صدا را می‌شنوند و می‌گویند: مولای ما، شیرینی سخنت را شنیدیم، پس نور چهره‌ات را نیز به ما بنمایان. پس خداوند سبحان بر آنان تجلی می‌کند تا این که به نور چهره‌اش را که از هر چشمی پوشیده است می‌نگرند. پس نمی‌توانند خودداری کنند و سجده کنان بر زمین می‌افتند و می‌گویند: منزهی، ما تو را چنان‌که شایسته است عبادت نکردیم ای بزرگ، پس می‌فرماید: ای بندگان من، سرها را بلند کنید که این‌جا سرای عمل نیست بلکه سرای بزرگی و درخواست و نعمت است، رنج و سختی از شما دور شده است، پس هنگامی که سرها را بردارند چهره‌هایشان از شدت نور حق تعالی هفتاد برابر نورانی‌تر شده است.

سپس خداوند متعال می‌فرماید: ای فرشتگان من، به آنان خوراک و شراب بدهید، پس انواع غذاهایی که مانند آن‌ها دیده نشده می‌آورند، طعم آن هم‌چون شهد و به سفیدی برف و نرمی کره هستند و هنگامی که آن را می‌خورند به یک‌دیگر می‌گویند: غذایی که پیش از این در بهشت داشتیم در برابر این غذا مانند رؤیا است. سپس پروردگار جبار می‌فرماید: ای فرشتگان من، آنا را سیراب نمایید، پس نوشیدنی‌هایی می‌آورند و دوستان خدا آن را می‌گیرند و شربتی می‌نوشند که تاکنون مانند آن را ننوشیده‌اند. سپس می‌فرماید: ای فرشتگانم، آنان را خوشبو سازید، پس نسیمی از زیر عرش بر آنان می‌وزد که همراه آن مشکی است از برف سفیدتر و چهره‌ها و پیشانی‌ها و پهلوهایشان را دگرگون می‌سازد و نامش مثیره است. در این حال قادر به تماشای نور حق تعالی می‌باشند. پس می‌گویند: ای مولای ما، شیرینی سخن و نگریستن به نور چهره‌ات برای ما کافی است، ما چیزی جز آن نمی‌خواهیم و به دنبال دگرگونی به چیز دیگری نیستیم. پس خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: من می‌دانم شما به همسرانتان مشتاقید و آنان نیز مشتاق شما هستند. پس می‌گویند: پروردگارا، چقدر از آن‌چه درون بندگانت می‌گذرد آگاهی، خداوند می‌فرماید: چگونه آگاه نباشم در حالی که من شما را آفریده‌ام و روح‌های شما را در بدن‌هایتان قرار داده‌ام و پس از مرگ دوباره آن را به شما بازگرداندم و به آن‌ها گفتم: درون بندگان من به بهترین شکل جای گیر. به سوی همسرانتان بازگردید. پس می‌گویند: پروردگارا، برای ما موعدی قرار بده، پس می‌فرماید: هر جمعه می‌توانید به دیدار بیایید. و میان هر دو جمعه به حساب شما هفتاد هزار سال است.

فرمود: پس بازمی گردند و به هر یک از آنان اناری سبز داده می‌شود که در هر یک هفتاد لباس فاخر است که کسی مانند آن را ندیده است.

متن: برای پیامبران منبرهایی از نور قرار داده می‌شود و برای صدیقان تخت‌هایی از نور و برای شهیدان کرسی‌هایی از نور قرار می‌دهند. سپس خداوند متعال می‌فرماید: درود و خوشامد بر گروه‌ها و زائران و همسایگان من باد. ای فرشتگان من، آنان را با غذا پذیرایی کنید که دیرزمانی است مردم می‌خورند و آنان گرسنه‌اند، و دیرزمانی است که مردم سیراب هستند و آنان تشنه کامند، و مردم خفته و آنان ایستاده‌اند. و دیر زمانی است که مردم در امان هستند و آنان بیمناکند. فرمود: پس برایشان غذاهایی می‌آورند که مانند آن‌ها دیده نشده است. طعم آن هم‌چون شهد شیرین و مانند کره نرم و مانند برف سفید است. سپس می‌فرماید: ای فرشتگان من، با میوه‌ها از آن‌ها پذیرایی نمایید، پس میوه‌های گوناگونی به آنان می‌دهند که مانند آن دیده نشده و خرمای تازه و چرب به سفیدی برف و نرمی کره به آنان داده می‌شود.

متن: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: همانا رودهای بهشتی در جریان هستند اما نه در شکاف‌های زمین، سفیدتر از برف و شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره هستند. خاک رود از مشک تیزبوی و سنگریزه‌های آن مروارید و یاقوت است. در چشمه‌ها و جویبارهای دوستان خدا هرجا که بخواهد جریان دارد. پس اگر همه انسان‌ها و جنیان دنیا به آن‌ها اضافه شوند غذا و نوشیدنی و زیور و لباس به‌اندازه همه آنان گسترده خواهد شد و برای هیچ یک کم نخواهد شد

📜متن: پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هفتاد حلّه به رنگ‌ها و انواع گوناگون از بافته‌های طلا و نقره و لؤلؤ و یاقوت سرخ در برکند و این است مفهوم سخن پروردگار که یحَلَّوْنَ فِیها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤاً وَ لِباسُهُمْ فِیها حَرِیرٌ {در آن‌جا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند و لباسشان در آن‌جا از پرنیان است}. پس هر گاه مؤمن بر اریکه خود نشیند اریکه از شادی به لرزش درآید و هر گاه ولی خداوند سبحان در منازل خود در بهشت جای گرفت فرشته موکّل از او اجازه خواهد تا به سبب کرامت الهی بر او خجسته باد گوید و خادمان مؤمن اعم از غلامان و کنیزان به این فرشته گویند: در جای خود باش، زیرا دوست خدا بر تخت خود آرمیده است و همسرش از حور العین برای او آماده شده است، پس باید برای دیدار ولی خدا صبر کنی. ایشان می‌فرماید: همسر حور العین او از خیمه خود بیرون آید و به سوی او روی آورد در حالی که در پیرامونش کنیزکان بهشتی قرار دارند و بر تنش هفتاد حلّه بافته از یاقوت و درّ و زبرجد است که از مشک و عنبر می‌باشد و تاج کرامت بر سر دارد و کفشی از طلا به پا دارد که یاقوت و لؤلؤ بر آن نشانده شده و بند آن یاقوت سرخ است و چون به دوست خدا نزدیک شود و او از شوق بخواهد به سوی این حوریه برخیزد حوریه به او بگوید ای دوست خدا! امروز روز رنج و زحمت نیست، تو از جای خود حرکت مکن که من از تویم و تو از من پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: آن‌ها مدّت پانصد سال از روزهای دنیا [که نیم روز آخرت است] یک دیگر را در آغوش کشند و از هم دلتنگ و سیر نگردند.

پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: آن مرد پرهیزگار چون‌اندکی سستی یابد بی‌هیچ احساس خستگی به گردن آن حوریه بنگرد که بر آن گلوبندهایی است از شاخه یاقوت سرخ که در میان آن لوحی است از درّ، که بر آن چنین نقش بسته: ای ولی خدا تو دوست من هستی و من حوریه دوست تو. جبرئیل به من خبر داد که بوی بهشت از مسافتی که پیمودن آن، هزار سال طول می‌کشد به مشام می‌رسد

متن: ابوبصیر از یکی از دو امام باقر و صادق علیهماالسلام، فرمود: هنگامی که روز جمعه فرا می‌رسد، بهشتیان در بهشت و دوزخیان در آتش دوزخ هستند، و اهل بهشت از چند برابر شدن لذت و شادمانی در می‌یابند که امروز جمعه است، و دوزخیان نیز از شعله ور شدن زبانه‌های آتش به سویشان درمی یابند که امروز جمعه است.

متن: جابر بن یزید جعفی، از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که تعداد بهشت‌ها چهار تا می‌باشد و این کلام خداوند عز و جل است که می‌فرماید: «ولمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ» و آن این که آدمی بر خواسته‌ای از خواسته‌ها و شهوات دنیا هجوم می‌آورد و آن شهوت، گناه و نافرمانی است، سپس مقام پروردگارش را یاد می‌کند و از ترس او، آن کار را رها می‌کند. پس این آیه درباره این موضوع است. این دو بهشت از آن مؤمنان و سابقان می‌باشد. و اما آیه: «ومِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ» یعنی نزدیک آن‌ها دو بهشت دیگر است نزدیک از نظر رتبه و درجه و منظور فاصله و نزدیکی نیست و آن دو بهشت مخصوص اصحاب یمین است و آن بهشت نعمت و بهشت اسکان دائمی است. و در این بهشت‌های چهارگانه میوه‌هایی است که در کثرت و وفور مانند برگ‌های درخت و ستارگان می‌باشد.

و بر این بهشت‌های چهارگانه دیواری است که آن‌ها را احاطه کرده است که طول آن به مقدار مسافتی است که در پانصد سال پیاده طی می‌شود. خشت و آجر این دیوار یکی از نقره و یکی از طلا و یکی از مروارید و یکی از یاقوت می‌باشد و کاهگل آن عطر و زعفران است و ایوان‌های (پنجره ها) آن نوری است که می‌درخشد، به طوری که آدمی چهره‌اش را در دیوار می‌بیند و در این دیوار هشت در وجود دارد و هر در دارای دو لنگه است. عرض آن دو لنگه به‌اندازه فاصله ای است که یک اسب خوب یک سال طی می‌کند.📜

📜متن: عوف بن عبدالله ازدی، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: هیچ مؤمنی وارد بهشت نمی‌شود، مگر این که پانصد حوری را به ازدواج خود در می‌آورد. همراه هر حوری هفتاد خادم و هفتاد کنیزک می‌باشد، آن‌ها به مانند «لؤلؤ منثور» و «لؤلؤ مکنون» می‌باشند. معنای مکنون این است که مانند مروارید در داخل صدف می‌باشند که دست‌ها آن را لمس نکرده‌اند و چشم‌ها آن را ندیده‌اند و معنای منثور این است که زیاد هستند. هر مرد مؤمنی هفت قصر دارد و در هر قصری هفتاد خانه است و در هر خانه ای هفتاد تخت وجود دارد و در روی هر تختی هفتاد بستر است و بر هر یک از آن بسترها زنی زیبا و چشم درشت و چشم سیاه وجود دارد. «تَجْرِی مِن تَحْتِهِمُ الأَنْهَارُ» [از زیر (قصرهای) شان نهرها جاری است] نهرهایی که دارای آب غیر گندیده و صاف هستند و تیره و کدر نیستند «وأَنْهَارٌ مِن لبَنٍ لمْ يتَغَيرْ طَعْمُهُ» [و جوی‌هایی از شیری که مزه‌اش دگرگون نشود] یعنی شیری که از پستان چهارپایان خارج شده است.

«وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَل مُّصَفًّى» [و جويبارهايى از انگبين ناب] يعنى عسلى كه از زنبور عسل به دست نيامده است «وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لذَّةٍ للشَّارِبِينَ» [و رودهايى از باده اى كه براى نوشندگان لذتى است] يعنى شرابى كه آدم‌ها آب آن را با پاهايشان نفشرده‌اند و نگرفته‌اند و وقتى به غذا ميل پيدا مى‌كنند، پرندگان سفيد رنگى به نزد آن‌ها مى‌آيند و بال‌هايشان را بالا مى‌برند و آن مؤمنان از هر نوع كه بخواهند مى‌خورند. در حالت نشسته و يا تكيه داده، هر گونه كه بخواهند و اگر هوس ميوه كنند، شاخه‌ها به نزد آن‌ها مى‌آيند و از هر ميوه اى كه دوست داشته باشند مى‌خورند.📜

📜متن: فرشتگان به استقبال مومنان مى‌آيند و مى‌گويند: خوش آمدى، به همراه ديگران داخل شو. او هم داخل مى‌شود. ناگهان با دو شاخه يک درخت مواجه مى‌شود، شاخه‌هاى آن از مرواريد هستند و شاخه‌هاى كوچكتر آن از زيورآلات و لباس‌هاى گران قيمت، ميوه‌هاى آن به شكل پستان كنيزكان باكره است. فرشتگان با شتران و اسبان و زيورآلات و لباس‌هاى گران قيمت به پيشواز او مى‌آيند و مى‌گويند: اى دوست خدا، بر هر چه مى‌خواهى سوار شو و هر چه مى‌خواهى بپوش و هر چه مى‌خواهى بخواه. او هم سوار چيزى مى‌شود كه دوست دارد و آن‌چه را كه دوست دارد مى‌پوشد. او سوار بر شتر و اسبى كه از نور است و لباسش از نور است و زيورآلات او نيز از نور و در خانه اى از نور حركت مى‌كند و به همراه او فرشتگانى هستند همه از نور و خدمتكارانى از جنس نور و جوانانى از نور، آن قدر كه فرشتگان از اين همه نور وحشت مى‌كنند و برخى به يک‌ديگر مى‌گويند: كنار برويد، كاروان خداوند صبور و بخشاينده از راه رسيد.

آن‌گاه به اولین کاخ خود که از نقره است می‌رسد. کاخی که دارای ایوان‌هایی از مروارید و یاقوت است. آن‌گاه زنان آن کاخ به او روی می‌آورند و می‌گویند: خوش آمدی، خوش آمدی، پیش ما بیا. پس او تصمیم می‌گیرد که وارد قصر خود شود. اما فرشتگان به او می‌گویند: ای دوست خدا، حرکت کن، برو. این کاخ و کاخ‌های دیگر از آن تو است. تا این که به یک کاخ طلایی می‌رسد. کاخی که دارای تاجی از مروارید و یاقوت است. زنان آن کاخ رو به او می‌گویند: خوش آمدی، خوش آمدی ای دوست خدا! نزد ما بیا، پس او تصمیم می‌گیرد که وارد کاخ خود شود، اما فرشتگان به او می‌گویند: حرکت کن ای دوست خدا. سپس به قصر دیگری از یاقوت قرمز می‌رسد با تاجی از مروارید و یاقوت. او تصمیم می‌گیرد که وارد این قصر خود بشود، اما فرشتگان به او می‌گویند: حرکت کن ای دوست خدا! این قصر و دیگر قصرها از آن تو است. تا این که به تمام هزار قصر می‌رسد و به هر کدام از آن‌ها نگاهی میاندازد و در یک چشم به هم زدن در تمامی سرزمین خود حرکت می‌کند و وقتی به آخرین قصر رسید، سرش را پایین میاندازد، آن‌گاه فرشتگان به او می‌گویند: ای دوست خدا چه پیش آمده است؟ می‌گوید: نزدیک بود که چشمم کور شود، فرشتگان می‌گویند: مژده باد ای دوست خدا! در بهشت کوری و کری معنا ندارد. سپس به کاخی می‌رسد که بیرون آن از درون آن پیداست و درون آن از بیرون آن. خشتی از آن نقره است و خشت دیگر از طلا و خشتی دیگر از یاقوت و دیگر خشت آن مروارید، ملاط (سیمان) آن دیوار از بوی خوش است و دارای ایوان‌هایی از نور است که می‌درخشند و آدمی چهره‌اش را در دیوار می‌بیند.

📜متن: امام باقر علیه السلام فرمود: بدانید که اهل بهشت همیشه زنده هستند و هیچ وقت نمی‌میرند، بیدارند و هرگز نمی‌خوابند. همیشه بی‌نیاز هستند و هیچ وقت دچار فقر نمی‌شوند. شادمانی می‌کنند و هیچ وقت غمگین نمی‌شوند و می‌خندند و هیچ وقت گریه نمی‌کنند و همیشه مورد احترام هستند، پس هیچ وقت خوار و ذلیل نمی‌شوند. اهل مزاح و شوخی هستند و هیچ وقت عصبانی نمی‌شوند و همیشه شاد و خوشحال هستند. می‌خورند و هیچ وقت گرسنه نمی‌شوند و دائماً می‌نوشند پس هیچ وقت تشنه نمی‌مانند و لباس پوشانده می‌شوند، پس هیچ وقت برهنه نیستند. همیشه سواره هستند و دائماً به دیدار یک‌دیگر می‌روند و پسرانی که جاودان و مخلد هستند دائماً بر آن‌ها سلام می‌کنند و در دستانشان همیشه سبوهایی از نقره و ظرف‌هایی از طلا می‌باشد و دائماً بر تخت‌هایی تکیه زده‌اند و همیشه بر تخت‌های گرانبها نگاه می‌کنند و همیشه از جانب خداوند بر آن‌ها سلام و درود فرستاده می‌شود. به لطف و رحمت خداوند از او بهشت می‌طلبیم زیرا که او بر انجام هر چیزی توانا است.📜

📜متن: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود: ریشه‌های درخت خرمایی که در بهشت است طلای قرمز رنگ است و تنه و ساقه آن از زبرجد سبز رنگ و خوشه‌های آن مروارید سفید رنگ و برگ آن، لباس‌های سبز رنگ است و خرمای آن، سفیدتر از مروارید است و شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره. در آن هیچ سفتی و سختی نیست. درازی خوشه آن دوازده متر است، از بالا تا پایین مرتب و چیده شده است.

از آن دانه و میوه ای چیده نمی‌شود مگر این که خداوند آن را به شکل اول برمی گرداند و این کلام خداوند است که می‌فرماید: «لا مَقْطُوعَةٍ ولا مَمْنُوعَةٍ» [نه بریده و نه ممنوع] دانه‌های خرمای آن درشت است چون کوزه سفالین و موز و انار آن به بزرگی سطل. شانه‌های اهل بهشت از جنس طلا است و آتشدان‌های بخور ایشان از مروارید.📜

📜متن: هارون بن خارجه، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: هر که سوره زمر را قرائت کند و آن را به آسانی بر زبان جاری نماید، خداوند سربلندی دنیا و آخرت را به او ارزانی می‌دارد و او را بدون هیچ ثروت و یا خویشاوندی عزیز می‌گرداند، به گونه ای که هر کس او را ببیند، بزرگش می‌دارد، و خداوند بدنش را بر آتش دوزخ حرام می‌کند و در بهشت برایش هزار شهر می‌سازد که در هر شهر هزار قصر و در هر قصر هزار پری می‌باشد و افزون بر این، دو چشمه جاری و دو چشمه جوشان از برای او خواهد بود و دو باغ خواهد داشت که از سرسبزی بسیار، سیه گون می‌زنند و پریانی سیاه چشم در آن‌ها پرده نشین خیمه هایند و دارای شاخسارهای بسیارند و از هر میوه دو گونه دارند.📜

📜متن: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمودند: فرشتگان با ناقه‌هایی بهشتی به دیدار آن‌ها می‌آیند که زین‌هایی از طلا دارند که با مروارید و یاقوت مزین شده است و پالان‌هایی از حریر و پرنیان دارند و طناب بینی آن‌ها بافته‌هایی از ارغوان است و افساری از زبرجد دارند. سپس آنان را به سمت صحرای محشر به پرواز در می‌آورند، در حالی که همراه هر یک از ایشان هزار فرشته است که در جلو و راست و چپ ایشان قرار دارند.

این فرشتگان، آنان را احاطه می‌کنند تا این که به دروازه بزرگ بهشت می‌رسند. بر دروازه بهشت، درختی است که هزار نفر از سایه یک برگ آن بهره می‌گیرد و در طرف راست آن چشمه ای است که پاک می‌کند و مطهر می‌سازد. پس جرعه ای از آن می‌نوشند و خداوند با آن قلب‌هایشان را از حسد پاک می‌کند و موهای صورتشان را می‌زداید📜

📜متن: ابان بن تغلب، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که ایشان فرمودند: خداوند در روز قیامت شیعیان ما را با وجود گناهان و عیب‌های ایشان، روسفید و درخشان بر میانگیزاند و عیب‌هایشان را می‌پوشاند و مکان‌های گذر را برایشان آسان می‌سازد و سختی‌ها را از آنان می‌زداید و آنان را سوار بر شترانی از یاقوت می‌کند که افسارهایی از نور دارند و در بهشت با آن به گردش می‌پردازند و برایشان سفره‌هایی چیده می‌شود و پیوسته از آن میل می‌کنند؛ حال آن‌که دیگر مردم مشغول حسابرسی هستند📜

📜متن: بلا مصائب و دردها و بیماری‌ها و خوره و آن دریست از یاقوت زرد یک لنگه‌ای واندکند کسانی که از آن در آیند گفتم خدا رحمت کند بیفزا و بر من تفضل کن که من محتاجم گفت تو بمن تکلیف ناروا کنی باب اعظم که از آن بندگان صالح در آیند که اهل زهد و ورع و مشتاق خدا و مأنوس با اویند گفتم خدا رحمتت کند وقتی ببهشت در آیند چه کنند؟ فرمود بر کشتیها روی دو نهر سیر کنند که پاروهائی دارند از لؤلؤ فرشتگانی در آن‌ها باشند از نور و جامه‌های بسیار سبز در بردارند، گفتم رحمت خدا بر تو مگر نور هم سبز دارد؟ گفت جامه‌ها سبزند و نور از پرتو رب العالمین است جل جلاله بر دو کناره نهر گردش کنند گفتم نام آن نهر چیست، گفت جنة الماوی گفتم در میان چیز دیگری است؟

گفت آری جنت عدن که میانه بهشت‌ها است جنت عدن باروئی دارد از یاقوت سرخ و ریگ آن لؤلؤ است گفتم در آن در دیگری است؟ گفت آری جنت الفردوس، گفتم باروی آن چگونه است گفت وای بر تو دست از من بدار مرا سرگردان کردی گفتم بلکه تو مرا سرگردان کردی من دست از تو بر ندارم تا وصف را بکمال رسانی و مرا از باروی آن خبر دهی گفت بارویش نور است گفتم غرفه‌ها که در آنست؟ گفت از نور رب العالمین است گفتم بیفزا خدایت رحمت کند گفت وای بر تو تا این‌جا رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرموده خوشا بر تو اگر ببرخی از این که وصف شد برسی و خوشا بر کسی که بدان معتقد باشد.

متن: امام صادق علیه السلام فرمود: در روز جمعه و روز عید فطر و قربان خداوند، متعال به رضوان، خازن بهشت می‌فرماید: به ارواح مؤمنان [در حالی که در غرفه‌های بهشتی به سر می‌برند]ندا بدهید که خداوند به شما اجازه داده است، به زیارت خانواده و دوستان خود در دنیا بروید. سپس خداوند به رضوان امر می‌کند که برای هر روحی یک ناقه از ناقه‌های بهشتی بیاورند که بر آن قبّه ای از زبرجد سبز است و دور آن از یاقوت مرطوب زرد است؛ بر ناقه‌ها، پوشش‌ها و برقع‌هایی است از پرنیان نازک بهشت و حریر ستبر آن؛ پس بر آن ناقه‌ها سوار می‌شوند و حلّه‌های بهشتی به تن دارند و تاجهایی از درّ مرطوب به سر دارند که مانند نور افشانی ستارگان در مانند در جوّ آسمان در نزدیگی بیننده و نه دور از او نور افشانی می‌کنند؛ پس مؤمنان در موقف جمع می‌شوند؛ سپس خداوند جبرئیل را از بین اهل آسمان امر می‌کند ککه همگی از آنان استقبال کنند؛ پس ملائکه هر آسمانی از آنان استقبال می‌کنند و ملائکه هر آسمانی تا آسمان دیگر آنان را مشایعت می‌کنند؛

پس آنان در وادی السلام که منطقه ای در پشت کوفه است فرود می‌آیند، سپس در شهرها پراکنده می‌شوند تا با اهل خود که در دنیا با آنان بودند دیدار کنند و ملائکه ای با ایشان هستند که روهای ایشان را از آن‌چه بر دیدنش کراهت دارند به آن‌چه دوست دارند ببینند منصرف می‌گردانند و گورستان‌ها را نیز زیارت می‌کنند، تا این که وقتی مردم نماز خواندند و اهل دنیا از مصلای خود به منازلشان رفتند، جبرئیل بر آنان ندای کوچ به غرفه‌های بهشتی می‌دهد و آنان سوار می‌شوند

متن: حارث بن محمد احول، از کسی که برای او روایت کرد، از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی! چون من در شب اسراء به معراج رفتم، در بهشت، رودی را مشاهده نمودم که سفیدتر از شیر، شیرین‌تر از عسل و راست‌تر از تیر بود و در آن تُنگ‌هایی به تعداد ستارگان آسمان وجود داشت و گنبدهایی از یاقوت سرخ و مروارید سپید بر روی ساحل آن بود. پس جبرئیل علیه السلام دو بال خود را بر کناره آن رود زد و ناگهان تبدیل به مشک تیزبویی شد. سپس حضرت فرمود: سوگند به کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دستان او است، درختی در بهشت وجود دارد که تسبیح کنان، کف می‌زند و صدایی از خود تولید می‌کند که پیشینیان و آیندگان، مانند آن را نشنیده‌اند و میوه ای مانند انار دارد و آن میوه، به سوی مرد افکنده می‌شود و آن مرد، میوه را می‌شکافد و صد جامه از آن بیرون می‌آید و مؤمنین بر روی اریکه‌هایی از نور تکیه می‌دهند و آنان غُرّ مُحَجَّلون (خوبرویان زیباسرشت) هستند و تو، ای علی! پیشوای آنان در روز قیامت هستی.

هر مردی از مؤمنین، نعلین به پا دارد که بندهایش از نور است و مؤمنان به هر نقطه از بهشت که می‌روند، آن نور، پیش روی آن‌ها را روشن می‌سازد. در این میان، زنی، از بالای سر مؤمن بر او اشراف یافته و می‌گوید: سبحان اللّٰه، ای بنده خدا! آیا نعمتی از تو به ما نخواهد رسید؟ آن مؤمن می‌گوید: تو کیستی؟ آن زن می‌گوید: من یکی از آن زنانی هستم که خداوند پیرامون آن‌ها فرمود: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاء بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

متن: کلبی، از امام صادق علیه السلام، از پدرش امام باقر علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: وقتی روز قیامت فرا رسد، ندا دهنده ای از عرش صدا می‌زند و می‌گوید: ای گروه آفریدگان! چشمانتان را ببندید تا فاطمه دختر محمد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم عبور کند و اولین کسی باشد که پوشانده می‌شود. دوازده هزار حوری از بهشت به استقبال او می‌آیند به همراه پنجاه هزار فرشته از یاقوت خالص، بال‌هایشان از لؤلؤی تازه و زبرجد و بر پشت آن‌ها خورجین‌هایی از مروارید و بر هر خورجینی بالشی از ابریشم قرار دارد تا این که از پل صراط می‌گذرند و وارد بهشت می‌شوند. اهل بهشت به او خوشامد می‌گویند. او در سراپرده ای از نور می‌نشیند و همگی اطراف او می‌نشینند. در داخل آن سراپرده دو قصر قرار دارد. یک قصر سفید رنگ و یکی زرد رنگ از مروارید، هر دو از یک جنس. در آن کاخ سفید، هفتاد هزار خانه قرار دارد که خانه‌های محمد و خانواده او می‌باشد. در آن کاخ زرد رنگ نیز هفتاد هزار خانه وجود دارد که خانه‌های ابراهیم و خانواده او می‌باشد.

📜متن: سلمان رضی الله عنه، از پیامبر صلی الله علیه وآله که فرمودند: ای علی، سوگند به خدا که شیعیان تو اجازه دارند هر روز جمعه بر تو وارد شوند و آنان در هر روز جمعه از منازل خود به شما می‌نگرند همان گونه که مردم دنیا به ستارگان آسمان چشم می‌دوزند. و همانا شما در اعلی علیین و در جایگاهی هستید که بالاتر از آن‌جایگاهی وجود ندارد.



📜متن: ای مردم! همانا خداوند عز و جل فرستاده‌اش محمد صلی الله علیه و آله و سلم را وعده وسیله داده است و وعده‌اش حق است و خداوند خلف وعده نمی‌کند. هان! آگاه باشید که وسیله، بالاترین درجه بهشت است و در اوج بلندی‌ها قرار دارد و انتهای آرزوست و هزار نردبان دارد و فاصله بین هر نردبان و دیگری هزار سال دویدن یک اسب نجیب است و نردبان‌های آن از مروارید و گوهر و زبرجد و لولو و یاقوت و زمرد و مرجان و کافور و عنبر و بخار عود بخور و طلا و نقره و ابر و هوا و نور می‌باشد و این وسیله بر بالای همه باغ‌های بهشت قرار دارد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز بر روی آن نشسته است و دو جامه لطیف به تن کرده است: یک لباسش از جنس رحمت خدا و دیگری از نور او است و بر سر آن حضرت تاج نبوت و اکلیل رسالت است، و این در حالی است که آن مکان را با نورش نورانی کرده است و من در آن روز بر مقامی رفیع قرار دارم که پایین‌تر از مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است

و من نیز دو لباس لطیف به تن دارم، یکی از شکوفه ارجوان است و دیگری از جنس کافور، و فرستادگان و پیامبران بر روی نردبان‌ها ایستاده‌اند و بزرگان و حجت‌های همه ادوار در سمت راست ما قرار دارند، در حالی که حله‌هایی از نور و کرامت آنان را پوشانده است. و هر فرشته مقرب و نبی و فرستاده ای که ما را می‌بینند از نور ما مبهوت می‌گردد و از درخشش و شکوه ما شگفت زده می‌شود.📜

📜متن: یا علی! به حقّ آن‌کس که دانه را شکافته و آدمی را خلق کرده که متّقیان از قبرهای خود بیرون می‌آیند و ملائکه، استقبالِ ایشان می‌کنند و با ناقه‌هایی که خدای تعالی برای جمعی که ایشان را عزیز ساخته، مقرّر فرموده و جهاز آن ناقه‌ها از طلاست که با یاقوت و مروارید، مزین و مرصّع کرده‌اند، و جُل‌های آن شتران، از اِستَبْرَق و سُندُس است، و مهار آن شتران، بافتارغوان است. پس به سرعت و زودی، ایشان را به صحرای محشر حاضر می‌سازند و با هر یک از متّقیان، هزار فرشته پیش رود و دست راست و دست چپ همراه‌اند که به اعزاز و احترام، ایشان را می‌آورند تا به درِ بزرگ بهشت می‌رسانند.📜

📜متن: شنیدم از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله که: حصار بهشت، خشتی از طلا و خشتی از نقره است و خشتی از یاقوت، و کلّ ملاطش مُشک اَذفَر است و کنگره‌ها [یش] از یاقوت سرخ و سبز و زرد. پرسید که: درهای بهشت، چگونه است؟ گفت: درهای بهشت، مختلف است. باب الرّحمه، از یاقوت سرخ است. و باب الصبر، دری است کوچک که یک تا دارد و از یاقوت سرخ [است] و حلقه ندارد. و باب الشکر، از یاقوت سفید است و دو تا دارد و فاصِلمیان آن‌ها پانصد ساله راه است و از آن در، آوازی برمی خیزد و می‌گوید: خداوندا! اهل مرا پیش من آور.

گفتم که: آیا در، سخن می‌گوید؟ فرمود: آری. خدای - عزَّ و جلَّ - او را به سخن می‌آورد. و باب البلا، که از برای جمعی است که در دنیا مصیبت‌ها و بلاها کشیده‌اند. دری است یک تا از یاقوت زرد، و جمعی که از این در داخل می‌شوند، بسیار کم‌اند و دری که از همه بزرگ‌تر است. صلحا و اهل زهد و وَرَع و راغبان به ثواب الهی و جمعی که خدای - عزَّ و جلَّ - را مونس خود ساخته‌اند، داخل می‌شوند. پرسید که: وقتی که داخل بهشت می‌شوند، چه می‌کنند؟ گفت: سیر می‌کنند در او و نهر آب در کمال صافی، و کشتی‌ها از یاقوت، و آن‌چه کشتی را به آن می‌رانند، از مروارید است و در آن‌ها، ملائکه از نور هستند و جامه‌های سبز در نهایت سبزی پوشیده‌اند. پرسید که: اسم آن نهر چیست؟ گفت: جنّة المأوی. پرسید که: در میان جنّة المأوی، جنّتی دیگر هست؟ گفت: آری؛ و حصار جنّت عدن، که در وسط جنّت‌هاست. جنّت عدن، از یاقوت سرخ است و سنگ ریزْه‌هایش از مروارید. پرسید که: آیا جنّتی دیگر هست؟ گفت: آری! جنّة الفردوس. پرسید که: حصارش چگونه است؟ گفت: حصارش از نور ربّ العالمین است.

متن: زنان مؤمن عارف شیعه‌اند که داخل بهشت می‌شوند و ایشان را به مؤمنان، تزویج می‌نمایند. و آن‌که خدای تعالی فرموده: «حُورٌ مَقْصُوراتٌ فِی اَلْخِیامِ»، مراد، حوران بهشت‌اند که در نهایتِ سفیدی‌اند و کمرهای ایشان، باریک است و در میان خیمه‌های مروارید و یاقوت و مرجان نشسته‌اند و هر خیمه‌ای، چهار در دارد و بر همه دری، هفتاد دختر باکررسیده ایستاده‌اند که دربان ایشان‌اند و هر روز از خدای تعالی، کرامتی به ایشان می‌رسد. و زنان بهشت، رَشک نمی‌دارند و حائض نمی‌شوند و بدخویی نمی‌دارند.

و اهل بهشت را بول و غائط نمی‌باشد؛ بلکه عَرَقی از ایشان، دفع می‌شود از مُشک، خوش بوتر. و حُسن و جمال و صفا و طراوت اهل بهشت، روز به روز زیاده می‌شود، چنانچه اهل دنیا را هر روز، پیری و قباحتِ منظر، زیاده می‌گردد. و هر میوه ای که از درختان بهشت چیده شود، به جای آن به همان هیئت می‌روید؛ مانند شعلآتش که هر قدر چراغ از او افروزند، چیزی کم نمی‌شود. و حوران، همیشه با وصف بکارت‌اند و مغز ساق ایشان از زیر هفتاد حِلّه، نمایان است؛ مانند درهمی از نقره که در آبی در کمال صفا که یک نیزه عمق داشته باشد، پیداست.

متن: امام صادق علیه السلام می‌فرمود: چون روز جمعه و روز عید شود، خداوند رضوان خازن بهشت را امر می‌کند که به ارواح مؤمنان درحالی که در اتاق‌های بهشت هستند ندا دهد که خداوند زیارت خویشاوندان و عزیزانتان از اهالی دنیا را به شما اجازه داده است. سپس خداوند، رضوان را امر می‌کند که برای هر روحی، شتری از شتران بهشت بیاورد که بر روی آن قبه ای از زبرجد سبز است، پوشش آن از یاقوت تازه زرد رنگ است و بر روی شتران جلال و شکوه و روبندهایی ار سندس بهشت و زربفت‌های آن است. بر آن شتران سوار می‌شوند درحالی که بر آن‌ها قباهای بهشتی است و تاج‌هایی از مروارید تازه بر سر دارند که پرتو افکنی می‌کند، چنانکه ستاره‌های درخشان در آسمان، از نزدیکی ناظر به آن‌ها می‌درخشند نه از دور. پس در عرصه قیامت جمع می‌شوند سپس خداوند جبرئیل را امر می‌کند که اهل آسمان از آن‌ها استقبال کنند و ملائکه هر آسمان از آن‌ها استقبال می‌کنند و ملائکه هر آسمان آن‌ها را تا آسمان دیگر مشایعت می‌کنند و در وادی السلام که وادی ای در پشت کوفه است فرود می‌آیند.

سپس در سرزمین‌ها و شهرها پراکنده می‌شوند تا خویشاوندانی که در دار دنیا با آن‌ها بودند را زیارت کنند، درحالی که با آن‌ها فرشتگانی هستند که روی آن‌ها را کسانی که از نظر کردن به آن‌ها اکراه دارد، به سوی کسانی که دوست دارند برگردانند.📜

📜متن: امیر مومنان صلوات الله علیه به پیرمردی که از شام به نزد او آمده بود فرمود: ای پیرمرد، خداوند عز و جل خلقی را آفرید که به آن‌ها نظر کرد و دنیا را بر آن‌ها تنگ کرد و از دنیا و ما فیها به آنان کم داد. آن‌ها هم به بهشتی که آنان را به آن خواند راغب گشتند و بر این زندگی تنگ و بر چیزهایی که آن را ناپسند می‌داشتند، صبر کردند و به کرامتی که در نزد خداوند بود مشتاق گشتند و برای رضای خداوند جان خود را بخشیدند و در نهایت به شهادت رسیدند؛ آنان به دیدار خداوند نایل گشتند و او از آن‌ها راضی بود و دانستند که مرگ، راه گذشتگان و باقی ماندگان است، پس برای آخرت خود توشه ای غیر از طلا و نقره برگرفتند و لباس‌های خشن به تن کردند و به قوت ناچیز خود قانع شدند و در فضل و برتری از یک‌دیگر پیشی گرفتند و دوستی و دشمنی شان به خاطر خداوند عز و جل بود. آن‌ها روشنی‌اند و در آخرت از نعمت و سلامت بهره می‌برند...📜

📜متن: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیایش را دوست بدارد، به آخرت خود زیان می رساند، و هر که آخرتش را دوست بدارد، به دنیای خویش زیان می زند. پس، شما آنچه را ماندگار است، بر آنچه فناپذیر است، ترجیح دهید. خداوند آخرت را دوست، و دنیا را دشمن می دارد.

پس، شما نیز آنچه را خدا دوست دارد، دوست بدارید و آنچه را دشمن می دارد، دشمن بدارید، و فریب چیزی را که از اهلش جدا می شود نخورید، و برای آنچه ماندنی است، کار کنید تا به پاداش آخرت دست یابید.

متن: از امام صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: ای عبد اللَّه، ابلیس دام‌های خود را در این سرای فریب گسترده، و از این کار جز فریب دوستان ما قصد دیگری ندارد، و لکن سرای آخرت چنان در دیده باطن آنان بزرگ و والا گشته که دیگر هیچ‌چیز را به جای آن نمی‌خواهند. آن‌گاه حضرت فرمود: آه! آه! بر دلهای آکنده از نور، که دنیا در نظرشان تنها به مانند اژدهایی خوش خط و خال و زهر آلود و دشمنی زبان نافهم است. با خدا انس دارند و از آن‌چه جماعت خوشگذران به آن مأنوس شده‌اند گریزان. اینان به حق دوستان من می‌باشند، به یمن و برکت وجود آنان هر فتنه ای برطرف شود و هر مصیبت و بلایی از میان برود. پسر جندب! شایسته هر مسلمان آشنای با ما این است که کردارش را در هر شب و روز بر خود عرضه نماید و حسابرس خود گردد، پس اگر کار نیکی مشاهده کرد بر آن بیفزاید، و در صورت مشاهده کار بد، از آن طلب آمرزش کند مبادا که روز رستاخیز رسوا شود. خوشا به حال بنده ای که هیچ گونه غبطه و حسرتی بر نعمت و بهره‌های دنیایی خطاکاران نخورد! خوشا به حال بنده ای که آخرت را طلبید و برایش کوشید! خوشا به حال بنده ای که آرزوهای دروغین سرگرمش نساخت! سپس فرمود: خداوند آن مردمان را رحمت کند که چراغ بودند و روشنگر، آنان‌که با کردار خود و کوشش در حدّ توانشان، مردم را به سوی ما دعوت می‌کردند، ایشان مانند فاش کنندگان اسرار ما نیستند.

متن: دنیا حرکت کرده و به طرف زوال و فنا می‌رود و آخرت حرکت نموده و به طرف ما می‌آید. هر یک از آن‌ها نیز فرزندان و دلبستگانی دارد. بنابراین شما باید از فرزندان و دلبستگان آخرت باشید نه از فرزندان دنیا، و از کسانی باشید که از دنیا و تعلقات آن دل برکنده و خود را آزاد کرده‌اند و رغبت و میل خود را به آخرت معطوف داشته‌اند و چون زاهدان و پارسایان در زندگی سبک و آزادند. زمین را فرش زیر پای خود، خاک را بستر خواب خود و آب را غذا و آشامیدنی پاکیزه خود قرار داده‌اند و به کلی از دنیا چشم پوشیده‌اند. آگاه باشید آن‌کس که به بهشت اشتیاق داشته باشد، خود را از شهوات و خواسته‌های نفس آزاد می‌نماید؛ هر که از آتش دوزخ بترسد، از محرمات الهی خودداری می‌کند؛ و هر کس که در دنیا پارسا و به آن بی‌اعتنا باشد، تمام مصائب و حوادث بر او آسان می‌شود. آگاه باشید! خداوند بندگانی دارد که مردم از شرارت و بدی آن‌ها در امانند و دل آنان برای تفکر در امر آخرت محزون واندوهناک است، دارای عفت نفس هستند و نیازهای آنان بسیار کم و ناچیز است. آن‌ها چند روز کوتاه صبر و تحمل می‌کنند، در نتیجه در آن جهان آسایش طولانی و آرامش ابدی را به دست آوردند. برنامه عبادت شبانه آن‌ها این است که سر پا می‌ایستند و شب را به عبادت به سر می‌برند و در روز با کمال اخلاص به وظایف خود قیام کرده و اعمال خود را به عنوان عبادت و قرب به حق انجام می‌دهند و کوشش می‌کنند که خود را از آتش خشم الهی نجات دهند. آن‌ها نیکان با تقوایی هستند که در رنج و زحمت به سر می‌برند و بدن آن‌ها مانند نی ضعیف است و لاغر مردم خیال می‌کنند که آن‌ها مریض و رنجورند.

📜متن: ای موسی دنیا و مردم آن برای یک‌دیگر فتنه هستند، هرکدام خودش را برای یک‌دیگر مزین می‌کنند ولی آخرت برای انسان مؤمن مزین شده است و به آن به عنوان یک نعمت و زینت نگاه می‌کند که شهوتش بین او و بین لذت دنیایی قرار گرفته است و باعث شده در شب حرکت کند و برای رسیدن به هدفش به مانند اسب سواری که در ردیف اول مسابقه قرار دارد تلاش می‌کند و همیشه غمگین است و روزش را با اندوهگینی شب می‌کند. خوش به حال او، اگر پرده‌های حجاب برداشته شوند چه خوشحالی‌هایی را می‌بینند؟!📜



📝نکات‌علمی: تجارب نزدیک به مرگ درباره تمدن‌های شگفت‌انگیز و اسرار آمیز آسمانی؛ مسحور زیبایی زمین الماس گونهٔ آن‌جا شده بودم که گویی چیزی بین کریستال کوارتز و مرمر سفید بود. در همه جا قطعات بزرگ و بلند الماس که از زمین بیرون زده بودند دیده می‌شدند. آن‌ها چنان صیقلی بوده و برق میزدند که نمی‌خواستم از این منظره چشم بردارم. من که ذاتاً شخص کنجکاوی هستم، به دور و اطراف نگریستم تا ببینم چه چیزهای دیگری آن‌جا است. در سمت چپم یک آسمان عظیم به رنگ آبی کریستالی دیدم و یک آبشار زیبا و چمنهای سبز و زنده که در اطراف آبشار روییده بودند. یک دروازه عظیم سنگی آن‌جا بود که با خود فکر کردم باید دروازهٔ بهشت باشد. نگاه کردم که ببینم این دروازه تا کجا کشیده شده است. به نظر میرسید که به گونهای تا بینهایت رفته و با افق ممزوج شده بود. اکنون من در بهشت و در جلوی دروازهٔ آن بودم. یک راه باریک طلایی به سوی آن دروازه می‌رفت. بستر این راه با سطح الماس گونهٔ زمین آن‌جا که روی آن ایستاده بودم متفاوت بود. ناگهان یک فرشته من را از پشت بلند کرد و به سمت آبشار برده و در پایین آبشار قرار داد. تنها یک نقطهٔ کوچک از انگشت دست چپم اندکی از آب را لمس می‌کرد. ولی آن واقعاً آب نبود، بلکه مانند یک ژله بود که رنگ و درخششی مانند الماس داشت. من که قبل از مرگم در بیمارستان دچار تب شدیدی بودم، احساس کردم که تبم کاملاً ناپدید شد. سپس دوباره همان فرشته من را از کنار آبشار بلند کرده و به جایی که قبلاً ایستاده بودم بازگرداند... همه جا پر از نور بود، نه نوری معمولی، بکله نوری شبیه به نور مهتاب با درخشندگی صدها برابر. بیشتر احساس می‌کردم که این نورخیره کننده تمام وجودم را شستشو می‌دهد.

دریایی از نور و آرامش وصف ناپذیر در همین اثنا احساس می‌کردم. رفته رفته داخل کانالی قرار گرفتم و بسمت بالا کشیده می‌شدم، با سرعتی باور نکردنی. وقتی از کانال عبور کردم آنطرف کانال روشنایی تغییر حالت داده بود و نور سفید مانند منشور به انواع نورهای رنگی تجزیه می‌شد و یک کوه کریستال مانندی در سمت راستم می‌دیدم، مثل کوه یخی... در یک لحظه دیدم که بر فراز یک شهر باشکوه بهشتی هستم. شهر دیوارهای قطوری داشت و مانند یک پارک بسیار بزرگ بود که در آن ساختمان‌ها با فضای پارک ادغام شده بودند، و نه تنها تداخلی در زیبایی [و طبیعت] آن بوجود نمی‌آوردند، بلکه آن‌را کامل‌تر هم می‌کردند... این شهر بسیار عظیم بود و از بالا در آن بلوارهایی بزرگ که دایره‌های هم مرکزی را تشکیل می‌دادند با خیابان‌های طلایی دیده می‌شد. این بلوارها با فضاهایی بسیار سرسبز و خرم از هم جدا شده بودند. در نقاط مختلف شهر آبشارهای زیبای متعددی که آب آن‌ها در جویبارهای شفاف و کریستالی جریان داشت به چشم می‌خورد. مابین این دایره‌های عظیم، پیاده‌روهای کوچک‌تر و ساختمان‌ها قرار داشتند. در آن‌جا زمان و مکان منحصر به زمان حال در پیش روی من بود. تجربه پرقدرتی از «در اکنون» بودن خدا در زمان و مکان وجود داشت. بعضی از ساختمان‌ها ستونهای باشکوه و طاقهای بزرگ و مجللی داشتند، تقریباً مانند معبد آکروپلیس در یونان. ولی این ساختمان‌ها مانند زمین از سنگ ساخته نشده بودند و از خود درخششی نرم صادر می‌کردند. از آن‌ها گرما و عشق الهی حس می‌شد و احساس می‌کردم که آن‌جا به من خوش آمد می‌گوید.

فرشته به من در مورد بعضی از ساختمان‌ها توضیح داد. [به عنوان مثال] در میان آن‌ها سالن دانش بزرگ، سالن یادگیری، سالن شفا و التیام و سالن موسیقی دیده می‌شد که در آن از هر نوع موسیقی کلاسیک گرفته تا مدرن و موسیقی‌های غیرقابل وصف دیگر، قابل شنیدن بود. این موسیقی‌ها به نرمی و راحتی با تمام صداهای دیگر در بهشت ترکیب شده و یک سمفونی زیبا را به وجود می‌آوردند که پژواک عشق الهی بود... خانه و منزل شخصی در بهشت فاکتور مهمی نیست. در دنیا ما برای حفاظت خود در برابر عوامل محیطی [و حفاظت لوازم شخصی خود] نیاز به خانه داریم. ولی در بهشت روزهای بارانی یا طوفانی یا عوامل دیگری که ما را نیازمند به یک سرپناه می‌کند وجود ندارد. با این حال در آن‌جا گاهی خانه‌هایی با رنگ‌های زیبای متنوع دیده می‌شد. این خانه‌ها هیچ لبه و زاویه تیزی نداشتند و با چشم‌انداز طبیعت آن‌جا به خوبی ادغام شده بودند. گرچه در بهشت هیچ یک از خویشاوندان خود را ندیدم، اما مردم زیادی در آن‌جا بودند که ظاهرشان نماینده نژادها و ملیت‌های مختلف روی زمین بود. بسیاری از آن‌ها در گروه‌هایی به همراه خانواده یا عزیزان خود بودند. چهره‌شان مملو از عشق و احساس زندگی و حیات بهشتی بود. در آن‌ها سرور، شیرینی و شوق ناشی از انتظار کامیابی و خوشحالی دیده می‌شد. به نظر می‌رسید که هر یک از این افراد دارای مقصود و هدفی بود. هدف و منظورشان این بود که فقط خودشان باشند، بدون هیچ فشار یا تظاهری. هر کاری که آن‌ها در بهشت می‌کردند در حقیقت نوعی پرستش و ستایش الهی بود. جامهٔ تمام آن‌ها از خود نوری سوسو زننده صادر می‌کرد و آن‌ها در احساس راحتی و آرامشی هدف‌دار در بر گرفته شده بودند...

آخرین و سومین تصویری که دیدم شهری پر از نور بود، مانند شهر مقدس جان در فصل الهامات انجیل. من همان افق و چشم‌انداز قبلی را دیدم، ولی این بار رنگ آن شهر طلائی خالص بود و رنگ‌های شفاف و کریستال مانندی هم‌چنان جواهر در آن می‌درخشیدند. تمام ساکنان آن با خود وقار و افتخار برای این شهر به همراه می‌آوردند. در همه جاهارمونی و نظم حاکم بود و مردم شهر در سرور و خوشی زندگی می‌کردند و زیبایی و رضایت می‌آفریدند. آن‌جا آرامشی کامل و خدشه ناپذیر حس می‌شد، آرامشی که ورای توصیف است. من دریافتم که پاره‌هایی از حیات را که می‌بینم در هر دو طرف پرده وجود دارد و به‌تدریج مردم و گروه‌ها در تغییر هستند. گروه‌هایی از قسمت‌های تیره‌تر به قسمت‌های روشن‌تر در حرکت بودند. کج فهمی‌ها به‌تدریج اصلاح شده و این باعث تغییراتی در سطوح دیگر می‌شد. چه در دنیای فیزیکی یا دنیای غیر فیزیکی، این تغییر دیدگاه برای همه مفید بود. حقیقت این است که افکار و باورهای عمیق ما نه تنها روی تجربه زندگی خود ما، بلکه روی بقیه نیز اثر می‌گذارد.

مرد خردمندی که در معبد دانش نزد او بودم ادامه داد:

«در پهنهٔ بی‌نهایت تمامی هستی، انرژی خلاق *که آن را روح الهی خوانده‌اند* خود را از طریق من، تو و هر چیز دیگر متجلی می‌سازد. ما در هرجا (و هر حالی) که باشیم سرچشمه الهی نیز آن‌جاست و ما همیشه در جائی (و حالی) هستیم.»

ما با سرعت به سوی شهری که در آن به مانند کلیساهای بزرگ بود رفتیم و جلوی یکی از این بناها فرود آمدیم. این بناها تماماً از جنس ماده‌ای کریستال مانند بودند که از درون با نوری که بسیار درخشنده بود روشن گشته بودند. من از عظمت آن مکان در بهت و حیرت بودم و در برابر این شاهکار معماری احساس کوچکی می‌کردم. در هوای آن‌جا می‌شد (انرژی و) نیروی تپنده‌ای که در این مکان وجود داشت را حس نمود. این بناها نماد هیچ دین و مذهب خاصی نبودند، بلکه نشانی از قدرت خداوند بودند.📝

📂منبع: 📂NDE



□مواردپژوهشی: عقل و عشق باید در وجود سالک به ازدواج هم در آیند. تا وقتی این دو به نکاح در نیامده اند، تنش و اضطراب درونی همچنان پا برجاست. آن این را نفی می‌کند و این آن را. مداومت بر "مراقبه" که همان سکوت درونی و همه جانبه است، این دو را آرام آرام به هم نزدیک می‌کند تا آن‌که پیوندشان را به نیکی بر قرار کند. و چون این شود، دو انگاری رخت بر می بندد و سالک در خواهد یافت که عشق همان عقل است و عقل همان عشق. عقل، عاشقانه می‌شود و عشق، عاقلانه. نکاح عقل و عشق یکی دیگر از اسرار "مراقبه" است که کمتر به آن توجه شده است و یکی از رازهایی برای رسیدن به بهشت درونی و بیرونی می‌باشد. کار سالک، نجات دنیا نیست. نجات از دنیاست. وقتی خود نجات یافت، آنگاه به نجات دیگرانی که در اسارت دنیا به سر می‌برَند، همت می‌گمارد. این مفهوم حقیقی نجات در فرهنگ دینی‌ست. انسان تا وقتی جوان است و شور جوانی دارد، به راحتی فریب شعارهایی از این قبیل را می‌خورد که؛ بیایید دنیا را نجات دهیم، بیایید تغییرش دهیم و گلستانش کنیم و برخوردارش شویم و چه و چه… وقتی سنی از او می‌گذرد و عقل در سرش می‌آید، می‌فهمد آن‌که از آغاز باید نجات می‌یافت، خودش بوده. پیرمردان امروز جهان همان جوانان پر شور دیروزاند که میخواستند دنیا را نجات دهند و جایی بهتر از آن بسازند، چه شد؟! آیا دنیا نجات یافت و گلستان شد؟! دوره به دوره همین آرمان و ایده وسوسه انگیز بوده و هنوز هم هست بی‌آنکه بوی نجاتی استشمام شود. زیرا نجات آنگاه محقق شدنی است که آگاهی تو، از کیفیتی به نام دنیا خروج کند. از منظر حکمای الهی، کیفیتی به نام دنیا نجات دادنی نیست، آن یک زندان ذهنی است و غایتش برچیده شدنی‌ست.

قیامت معنایش همین است: "برچیده شدن دنیا"، و ورود به کیفیت دیگری از حیات به نام "آخرت". دقت کن، در اینجا بحث از مرگ فیزیکی نیست، بحث از تغییر نگاه و شعور است. در احادیث قدسی مضامینی آمده که خداوند می فرماید اگر دنیا خوب بود آن را به دوستانم می‌دادم، و حتی آمده است که می‌فرماید از وقتی که دنیا پدیدار گشت حتی نگاهی به آن نکرده‌ام. البته جریان حیات را نباید با دنیا مترادف بدانی. هستی یک چیز و مفهومی به نام دنیا چیز دیگری. دنیا هم چنان که از نامش پیداست یک کیفیت پست از بودن است. مرادم از دنیا، جهان آفرینش نیست. جهان آفرینش، عالَم وجود است که خود بسیار زیبا و شگفت و کارآمد است، حال آنکه دنیا یک مفهوم ذهنی و یک تعلق نفسانی انسان است. یک نگاه باطل یک منظرگاه فریب که آن را توهّم بزرگ نامیده‌اند. توهّم، نه قابل نجات است و نه نجات بخش. آن که باید از این توهّم نجات یابد، من و توایم. کار سالک، نجات توهّمی به نام دنیا نیست، بلکه نجات از دنیاست. برای هر ساخت و سازی نیرو و ماده‌ی اولیه لازم است. این قاعده‌ای است که هم در بالا (آسمان) و هم در پایین (زمین) وجود دارد. وقتی تعدادی از سالکان که از یک طبقه روحی اند متفقاً از یک تعلیم واحد پیروی نمایند، آنها به واقع در حال ساخت و پرداخت انسانی روحانی‌اند. کالبدی هوشمند که از نور و انرژی لطیف ساخته شده است. مهم این نیست که هر کدام از این سالکان در کجای دنیا قرار دارند. بُعد و قُرب فیزیکی مطرح نیست. بلکه مهم یک هماهنگی روحی است که مابین آن‌ها برقرار گشته است. این آدم بزرگ و لطیف و انرژیایی همچون یک شهر خود یک عالَم است.

و آن محصول کارکرد همه سالکانی است که در این ساخت و ساز شراکت دارند. ماده ی اولیه برای ساخت چنین وجود شگفتی از "مراقبه" حاصل می‌شود. سالکان با مراقبه‌شان، ماده لطیف اولیه را تولید می‌کنند. آن‌ها با این کار علاوه بر اینکه خود دارای کالبد انرژیایی خاص خود می‌شوند، در ساخت و ساز این موجود کلی نیز که خود یک عالَم است، سهیم‌اند. به واقع هر سالکی خود جزوی از این موجود کلی است. اینکه در کتب مقدس و در طول تاریخ معنوی آدمی، از جمع های پنج نفره، هفت نفره، دوازده نفره، چهارده نفره و چهل نفره و غیره سخن رفته، اشاره به کارکرد هماهنگ گروه‌های روحی است که در ساخت و سازهای لطیف و باطنی مشارکت دارند. یک سالک فرهیخته می‌داند که در حال تولید است. او با زندگی مراقبه‌گون‌اش انرژی لطیف و ماده ی لطیف اولیه کار را می‌سازد. این انرژی و ماده‌ی اولیه، خود هوشمند است. لازم نیست به آن خط دهی و یا به جایی گسیل‌اش بداری. آن خود کار خویش را بلد است و می‌داند که چه بسازد و چگونه بسازد... این کار به تمثیل به سان آن می‌ماند که در "درخت حیات" شاخه‌های جدید بروید و شاخه‌های قدیمی‌تر بالاتر روند. هر شاخِی این درخت میوه‌ی خاص خود را دارد. این یعنی این درخت دارای انواع میوه‌هاست. بشر امروز گرفتار تاریکی است. و برای رهایی از رنجی که گرفتار آن است بیهوده به هر چیزی چنگ می‌زند؛ از این اندیشه به آن اندیشه می‌رود، از این آرمان به آن آرمان، از این رؤیا به آن رؤیا، از این سرزمین به آن سرزمین، از این جمع به آن جمع، از این دین به آن دین، و حتی به بی‌دینی می‌رود... اما همه بیهوده است. اینها نه تنها نجات بخش نبوده و نیستند بلکه همواره بر گرفتاریش افزوده و می‌افزایند.

زیرا تا وقتی بشر بخواهد راه نجات را در بیرون خود جستجو کند، وضع جهان همین است او روز به روز افسرده‌تر و مغبون‌تر خواهد شد. زیرا مشکل او درونی است. امروزه تنها راه نجات، رجوع به خویشتن خویش و توجه از القاءات غیر بریدن است. به فطرت الهی خود روی آوردن و به شعور متعالی سلام کردن است. فرار از خود و تکیه به غیر کردن و همواره نجات را در بیرون خود جستجو کردن، هیچگاه چاره نبوده و نیست. بشر آنگاه که آگاهانه بر پای خویش بایستد و مسئولیت خویش بپذیرد، تازه بر آستانه‌ی رهایی از رنج قرار گرفته است. اگر می خواهی خود را بشناسی، نباید انرژی‌ات را به بیرون گسیل کنی. زیرا انسان دارای مقدار معینی از انرژی حیاتی است. وقتی پر از خواهش باشی، وقتی بدنبال تصاحب چیزها باشی، به واقع انرژی‌ات را به بیرون منتقل کرده‌ای و از وجودت خارج نموده‌ای. بی‌خواهشی کیفیتی است که نمی‌گذارد انرژی‌ات به بیرون سرازیر شود. وقتی انرژی‌ات را حفظ کنی، آنگاه است که چشم‌ات باز می‌شود، گوش‌ات می‌شنود و معرفت بطور خودانگیخته مرحله به مرحله برایت اتفاق می‌افتد. ای دوست، سلوک انرژی می‌خواهد. پس راه‌های نشت انرژی را ببند. ملاصدرا می‌گوید؛ "جهنم از سنخ دنیاست". درست می‌گوید. آن که دنیادوست و دنیاطلب است در جهنم هستند. یعنی؛ جهنم اشاره به کیفیتی رنج‌آور است که منبعث از حرص و طمع و خشم و تکبر و خواستن و داشتن است. هم ریشه و هم ماده‌ی جهنم اشاره به تعلق نفس به امور دنیوی‌ست. ای دوست، جهنم پیش از اینکه یک جا باشد، کیفیتی از بودن است که تو خود آن را ساخته و پرداخته و حمل کرده و به جهان‌های دیگر می‌بری. □

▫▪▫▪▫▪▫▪▫▪▫▪▫▪

توضیحات: در برترین جایگاه آفرینش خداوند رحمان ماهیت مادی و روحانی اجسام از محدودیت به حالت نامحدود ارتقاء پیدا می‌کند و بر هر پدیده‌ای تاثیر ممکن را خواهد گذاشت خداوند علیین اعلی گوشه به گوشه و نقطه به نقطه بهشت برین را با آخرین مقادیر و سطح علوم فناوری و تکلونوژی آباد و مزین فرموده و نور قدس و پرتو درخشنده روشنایی‌اش را با طبیعت آن جمع و آمیخته کرده نگاه کنید فضا و حالات و طبیعت ساختاری و زیرپایه‌های بهشت اعلی به مانند قوانین و مقادیر ساختاری فضای دیجیتال و دیگر امکانات موجود هست و از تمامیت ۲۷درجه علم پیروی و دنبال می‌کند شما اگر نظری خردمندانه به فضای دیجیتال و دستگاه‌های رایانه‌ای بیاندازید متوجه خواهید شد که از ساختاری هوشمندانه و بسیار کامل تبعیت می‌کند و نیازهای رویایی و افسانه‌ای جمعیت انسانی را در هر لحظه برآورده می‌سازد بر فرض مثال در دنیای تکلونوژی نظم و انسجام گسترده‌ای در کلیت آن تماشا می‌کنید در اندازه کادرها، سرعت دستورالعمل‌ها، بی‌نقص بودن فایل‌های رسانه‌ای، نامحدودیت نسخه‌برداری، تکامل رنگ‌ها و نوشتار ضمینه‌ای شده آن، دارای هوش فوق مصنوعی و به عملکرد رساندن دستورات، اتصال به تمام شبکه‌های جهانی در دورترین نقاط ممکن، مشاهده بدون نقص فایل‌های صوتی و تصویری و متنی و تبدیل آن به فرمت‌های مختلف الکترونیکی و هزاران هزار فواید دیگر...

پس قوانین و ساختار تشکیل‌دهنده بهشت از چنین طبیعت و فیزیکی به صورت پیشرفته‌تر و هوشمندانه‌تر پیروی می‌کند یعنی اگر در روایات می‌خوانید با قرائت ادعیه مذکور برای شما در همان لحظه هفتادهزار شهر یا قصر از طلا و نقره و یاقوت و زمرد و در نهایت الماس که خانه‌های دنیا در مقابل آن به مانند قطره‌ای در برابر دریاست ساخته خواهد شد بدانید به خاطر سرعت بالا و فوق نور نسخه‌برداری از طرح اولیه خدای عزوجل برای پاداش گران‌بها مومنین است بهشت جاودان ابعادی از عوالم پنهان و بعدی از جهان‌های ماورایی و محافظت‌شده توسط پروردگار جهانیان دارد که دائما توسط آفریدگار و خداوند تبارک و تعالی ارتقاء و به سطوح بالای علمی و دیجیتالی داده می‌شود و در نهایت به تعالی خود می‌رسد نگاه کنید نه تنها بهشت بلکه تمامیت هستی دارای باطن و پنهان پر رمز و رازیست که بر اساس آن جهان و طبیعت تشکیل شده و به انحصار موجودات رسیده در مقادیر کدنویسی اعلیین اعلی موردی به نام خستگی، غم، ناراحتی، اضطراب، ترس، تاریکی، بیماری، محدودیت، فساد، آلودگی، حسادت، تکبر، خشم، جنگ، مرگ و میلیون‌ها مورد منفی دیگر تبیین و نگارش نشده و معکوس آن یعنی شادی، آرامش، عشق، جاودانگی، خوشبختی، نور، نامحدود، فراوانی، امنیت، صلح، دوستی، مهربانی، اتحاد، خضوع و خشوع، سلامتی، لذت و میلیاردها مورد مثبت در صدر کار قرار گرفته و دائم الحال بر فعالیت است... خداوند در این جایگاه عظیم‌الشان در انواع و اقسام مواد تشکیل‌دهنده نور و روشنایی و درخشندگی و عشق و شادی و آرامش و در نهایت جاودانگی را با آن آمیخته و جمع کرده و مبنای صاف و شفافیت محض را با نظم و انسجام بالا برای آن رسم نموده...

جواهرت و نعمت‌های موجود در آسمان‌های بالاتر حقیقتا از سطح والا و کیفیت عالی برخوردار هستند و از ساختاری تشکیل شده‌اند که شاید لغت و فرهنگ زبانی ما توان پاسخ‌گویی و بیان را تا آخر دنیا نداشته باشد محصولات بهشت از هر جهت نمایان‌گر گستردگی و داشتن طیف وسیعی از هر نوع خاصیت و طعمی هستند و انسان را در هر مرحله‌ای از زندگی به تکامل محض می‌رسانند و به نقطه‌ای از آرامش و لذت و شادی می‌کشانند... کسی به وصال و حقیقت بهشت وعده داده شده نمی‌رسد جزء که عاشق و مجنون آن و خداوند و ائمه اطهار بگردد و بداند آخر تمام زندگی چیزی جزء رسیدن به بهشت جاودان نیست و باید و تماما در هر شبانه روز در هر ساعت و هر دقیقه به فکر بهشت رویایی و افسانه‌ای حق‌تعالی باشد به نظر حقیر مظلوم‌ترین پدیده در جامعه امروزی بهشت است چرا؟ شما کافی است نگاهی به اکثر فیلم‌ها و انیمیشن‌ها و کتاب‌ها و مقالات بیاندازید خواهید دید که انگار بهشت رویایی و سطح بالا و تمدن شگفت‌گانه‌ای وجود ندارد و بر این فرض است کسی نیست که بداند نهایت هدف و مقصد آخر زندگی باید چه باشد و معیار و مبنا و آخر آرزوها چیست؟ کسی که آخرت و بهشت حق تعالی را مبنا و هدف زندگی خود قرار ندهد یقینا به هلاکت و افسردگی و پوچی و ناامیدی محض خواهد رسید و از رنج و حسرت دنیا گونه‌ای از هم پاشیده و دگرگون خواهد شد و به شقاوت و عذاب سخت دو عالم گرفتار می‌شود و در تاریکی زندان فکری و ابدی خود به جهنم رهسپار می‌گردد.

کسی که به حقیقت وصال بهشت دست یافت یقینا به آزادی و احساس آبادی کامل حتی با نداشتن سرپناه و مرکب و لوازم پست و فانی دنیوی می‌رسد و از بردگی ظالمان و مستکبران و اربابان و دنیاپرستان و صاحبان دوزخ که بدترین عذاب حقیقی در دنیا است نجات پیدا خواهد کرد و از هر کس و هر شخصی بی‌نیاز خواهد شد حتی اگر معروف و مشهورترین هنرمندان و افراد سرشناس و سازه‌های دنیوی در دسترس او باشند اشتیاق به آنان ندارد زیرا وجه کامل‌تر و حقیقی‌تر کمال و سعادت ابدی و زندگی را دیده و از منظر کلی عظمت و بی‌کرانی نظام هستی را درک نموده است...✒

نویسنده: محمدعلی شرطان



📂موضوعات: آسمان-نجوم-معاد-بهشت-نور-شگفتی-اسرار-عشق📂



🔍کلمات‌جستجو: پژوهش و تحقیقی کامل درباره بهشت و عظمت جاودانه الهی

قصرهای مجلل و چشم‌انداز جنه‌اعلی

برج‌های آسمان خراش عارفان

عشق و نور در آسمان اعلی

کاخ‌ها و قصرهای طلایی

فناوری و تکلونوژی و علم روز در بهشت

متون کامل روایی و قرآنی درباره ویژگی‌های بهشت

رابطه قوانین فیزیک با هوشمندسازی طبیعت برای رفاه زندگی

خواص کامل جواهرات قیمتی و معدنی به مانند طلا و نقره و یاقوت و زمرد و الماس🔎



💢بیشتر مطالعه کنید: کتب؛ بهشت آرزوها، بهشت و جهنم از دیدگاه قرآن و حدیث، بهشت: آرامش‌گاه ابدی، از عالم بعد مرگ چه خبر؟، جلد ۷و۸ بحارالانوار💢



🎶موسیقی: هیچ واژه‌ای شایسته وصف تو نیست/ای عاشقان🎶

🎸سازنده: سامی‌یوسف🎸

▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️

📹کیفیت: 📹HD_Frame1773

📀حجم: 📀MG170

▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️

⏰زمان: ۱۲:۰۰ ⏰TM

🎥فرمت: 🎥MP4

◻️◼️◻️◼️◻️◼️◻️◼️◻️◼️◻️◼️◻️◼️

♻️اشتراک‌گذاری این‌مطلب برای تمام دوستان‌تان الزامی است♻️

🌐برای مشاهده مطالب‌بیشتر به صفحه‌رسمی @YoSoFeFATeMe به‌روید🌐

💠عالی‌ترین، محبوب‌ترین، زیباترین و خاص‌ترین مطالب علمی‌تحقیقاتی‌اسلامی را با بهترین پردازش‌ها در رسانه یوسف‌فاطمه مشاهده نمائید💠



📣 جدیدترین مطالب‌رسمی رسانه یوسف‌فاطمه را در کانال‌های فعال ما



در سایت آرشیو

Https://Archive.Org/Details/@YoSoFeFATeMe_IR

در وبلاگ فارسی

Https://YoSoFeFATeMe.PersianBlog.IR

در شبکه‌اجتماعی اینستاگرام

Https://Instagram.CoM/YoSoFeFATeMe

در پیام‌رسان تلگرام

Https://TeleGram.Me/YoSoFeFATeMe_IR

در خدمات‌فیلم آپارات

Https://Aparat.CoM/YoSoFeFATeMe

در شبکه‌پیام‌نما توئیتر

Https://Twitter.CoM/YoSoFeFATeMe

در ایمیل‌الکترونیکی یاهو

Https://YoSoFeFATeMe@YAhoo.CoM



مشاهده، دنبال کنید.📣